

زیبایستی

وصایای شهدا

لیلا حسین پور

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی

با اینکه این دلنوشته‌ها جزء متون ادبی به شمار نمی‌آیند، از نظر ادبی قابل بررسی هستند؛ زیرا از احساسات عمیق و خالص این اسطوره‌ها سرچشمه گرفته‌اند و می‌توان آن‌ها را جزء متن‌های غنایی به حساب آورد و آرایه‌های ادبی‌شان را مورد بررسی قرار داد. برای این منظور تعدادی از وصایای شهدهای شهرستان دزفول به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و تشبیه به‌عنوان پرکاربردترین آرایه در این متون، مورد بررسی قرار گرفته است.

تشبیه

شهدها برای ابراز احساسات در زمینه‌های مختلف و برای اینکه سخنانشان در دل و ذهن مخاطبان اثر کند، آرمان‌های خود را در قالب تشبیه در وصایای خویش گنجانده و کلامشان را خیال‌انگیز کرده‌اند. تشبیه همانند دانستن خیالی کسی یا چیزی به کسی یا چیزی دیگر است و این یکسان دانستن دو چیز ناهمگون، راز زیبایی تشبیه است:

«تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۵۹)

تشبیهات موجود در وصایای بررسی شده به شرح زیر است:

نماز و قرآن

شهدها با نماز و قرآن، پیوندی تنگاتنگ و ناگسستنی داشتند و به مدد این امور، شیطان نفوس خود را مهار می‌کردند و به جوار حق نزدیک‌تر می‌شدند. تعابیری که در وصایای آن‌ها در این زمینه دیده می‌شود گواهی بر این ادعاست.

قرآن کتاب آدم‌سازی و جلسات قرآن همان

چکیده

دوران هشت سال دفاع مقدس یکی از برهه‌های مهم در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است. استان خوزستان و شهرستان دزفول با داشتن بیشترین تعداد شهدها، سهم عمده‌ای در این نبرد ایفا کردند و برای همیشه بر تارک تاریخ درخشیدند. شهدها ذخایر معنوی و فرهنگی ملت اسلامی ما هستند و همه ما مدیون جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های آن‌ها هستیم؛ لذا برای معرفی و شناساندن هرچه بیشتر این عزیزان آرایه تشبیه در وصایای آنان مورد بررسی قرار گرفته است. دل‌نوشته‌های شهدها به دلیل برخورداری از فرهنگ ایثار، شهادت و عشق می‌توانند جزء متن‌های غنایی محسوب شوند و نشان‌دهنده احساسات عمیق و خالص این رادمردان هستند.

کلیدواژه‌ها: وصیت‌نامه، شهید، دزفول، تشبیه

مقدمه

شهادت، حقیقتی ارزشمند و مقدس است که بزرگی و عزت را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و شهدها انسان‌های آزاده و قهرمانی هستند که در راه هدفی والا و مقدس جانانشان را در طبق اخلاص نهاده و تقدیم آستان حضرت دوست نموده‌اند. آنان با خونشان درخت تناور اسلام را آبیاری کرده، مقاوت و شکوفایی را تا ابد برای دیگران تضمین نموده‌اند.

مجموعه سخنان، اهداف و انگیزه‌هایی که در وصایای آن بزرگمردان تاریخ معاصر ثبت شده، میراث معنوی این دوران پرافتخار است. بند بند این وصایا می‌تواند احساس، عقیده، شور و عشق رادمردان رزمنده را به تصویر کشد.

جبهه است.

که در مساجد نماز جماعت، نماز جمعه، دعای کمیل و غیره را ترک نکنید؛ زیرا با این دعاهاست که به پیروزی می‌رسیم و نماز سلاح مؤمن است.»

نماز جمعه سنگر است

شهید غلامحسین پورلطفی از نماز جمعه به‌عنوان سنگر یاد کرده و سفارش کرده که سنگرهای نماز جمعه و مدرسه‌ها پر شود: «سنگرهای نماز جمعه و مدارس را پر نموده، در مجالس دعا شرکت کنید»

مسجد

مسجد در وصایای شهدا، جایگاهی والا دارد. چراکه آنان برای رفتن به جبهه‌ها در مساجد تربیت و آماده می‌شدند. همچنین مسجد را مکانی برای جهاد با نفس خود و نردبانی برای رسیدن به معشوق حقیقی می‌دانستند و با ماندن کردن مسجد به امور مربوط به جبهه و جنگ، بر اعتقادشان به آن تأکید کرده‌اند.

مسجد رفتن، جهاد کردن است.

شهدا مسجد رفتن را به میدان جهاد رفتن تشبیه کرده‌اند. شهید محمد بهروان در وصیت خود از برادرانش خواسته تا زیاد به مسجد بروند و این کار را مانند جهاد کردن دانسته است. «برادران به مساجد زیاد بروید که زیاد به مسجد رفتن همچون جهاد می‌باشد.»

مسجد سنگر است.

شهید یوسفعلی دوست‌زاده در ضمن وصیت خود از مسجد به سنگر تعبیر نموده و سفارش کرده است که مساجد حفظ شوند: «برادران، مسجد سنگر است؛ سنگرها را حفظ کنید.»

شهید حمید مریدی هم بهترین راه شناختن اسلام را حضور در مساجد و حفظ جلسات قرآن دانسته و از مساجد

شهید محمدرضا خوشکام از کتاب قرآن به‌عنوان «کتاب آدم‌سازی» نام برده و از همگان خواسته است که به این کتاب توجه نموده از رهنمودها و مطالب آن به‌عنوان چراغ راه خود استفاده نمایند. همچنین سفارش کرده جلسات قرآن - که به تعبیر وی بزرگ‌ترین جبهه است - حفظ شوند تا تمامی مستکبران عالم به لرزه درآیند. «امیدوارم که بیشتر به قرآن، این کتاب آدم‌ساز، بچسبید و قرآن را چراغ راه خود قرار دهید (...). شیرین‌کلام اینکه جلسات قرائت قرآن مکانی است که انسان قرب و منزلتی خاص به پروردگار پیدا می‌کند و بزرگ‌ترین جبهه‌ای است که تمامی استکبار و استعمار جهان را به لرزه درمی‌آورد و شکرگزار این نعمت الهی باشید.»

نماز ستون دین است.

روایت معروف «الصلاة عمودالدین» از پیامبر (ص) محور توصیفات رزمندگان درباره نماز است. شهید غلامعلی حسن بنواری نماز را ستون دین دانسته و به دوستانش سفارش کرده است تا نماز را به پا دارند: «دوستان، (...). نماز که ستون دین است آن را به پا دارید.»

نماز گوهر است.

شهید یوسفعلی دوست‌زاده نماز را گوهر تعبیر کرده و بیان نموده که نماز از اساسی‌ترین درس‌هایی است که انسان را به خدا می‌رساند و در بطن آن همه چیز حتی جهاد و شهادت وجود داشته و در زندگی آدم تأثیر مستقیمی دارد: «در اسلام ما، تشیع ما عزیزترین گوهرهایی که به بشریت داده است، حیات‌بخش‌ترین قوانینی که تاریخ حیات را تکان داده است و می‌دهد و خدایی‌ترین درس‌هایی که تا خدا بالا می‌رود و در آن جهاد و شهادت نهفته است همان نماز است.»

نماز و دعا سلاح مؤمن است.

در روایات، دعا به سلاح تشبیه شده است. بر همین اساس، شهدا همگان را به شرکت در دعاها، به خصوص دعای کمیل، دعوت نموده‌اند. شهید مهرعلی رحیمی در وصیت خود از نماز و دعا به‌عنوان سلاحی برای مؤمنین یاد می‌کند و بر آن است که این نماز و دعاست که موجب می‌شود انسان به پیروزی برسد: «به شما توصیه می‌کنم

به‌عنوان سنگر یاد نموده است:

«مردم! (...) بدانید که بهترین راه شناخت اسلام، در سنگر مساجد بودن و حفظ جلسات قرائت قرآن در مساجد است.»

پیشوایان هدایت

شهید پیشوایان هدایت را الگو و اسوه خود در این زندگی چندروزه دنیا و کشتی نجاتی برای رهایی انسان از چنگ شیطان و رسیدن به رستگاری حتمی می‌دانند. تشبیه‌های به‌کار رفته در این زمینه گواهی بر این ادعاست.

حضرت محمد(ص) کشتی نجات است.

شهید ناصر پاک‌نژاد از رسول اکرم(ص) به عنوان کشتی نجات یاد می‌کند و زندگانی در سایه لوی آن حضرت را از نعمت‌های بزرگ خداوند می‌داند. ایشان در دعای خود از معبودش می‌خواهد که همه در قیامت با حضرت محمد(ص) محشور شوند و به برکت نور ایشان روسفید گردند.

«تنفس در زیر چتر محمد و آل محمد - صلی‌الله علیه و آله - در لوی این کشتی نجات از نعمات عظیم پروردگار می‌شمرم و از این جهت حمد و سپاس می‌کنم و از خداوندی که ما را در چنین برهه پربرکتی زندگی بخشید و از او خواستارم که ما را همگی با ایشان محشور فرماید و قیامت همگی از نور ایشان منور و روسفید باشیم.»

ائمه معصومین(ع) معدن هستند.

در جایی دیگر از وصیت شهید ناصر پاک‌نژاد، ائمه معصومین به معدن مانند شده‌اند. ایشان خواستار آن می‌باشد که همگی به جانشینان به حق خداوند تمسک جویند و حتی یک لحظه از ایشان و راهشان جدا نشوند تا مشمول رحمت حق قرار گیرند:

«با اتصال به معدن عظمت و جانشینان به حق خداوند تعالی یعنی معصومین - علیهم‌السلام - متمسک باشید. لحظه‌ای از ایشان نبرید از ایشان دور نشوید، یادشان و ذکرشان را همیشه بر زبانتان داشته باشید تا خداوند همیشه با نظر رحمت مخصوصش به شما بنگرد.»

امامان تا خدایان انقلاب سرخ هستند

شهید علیرضا پورنرگس از امامان به‌عنوان خدایان انقلاب سرخ یاد می‌کند که جانشینان

حضرت علی(ع) بودند و توانستند یکی پس از دیگری راه خونین خود را به بهترین شکل ممکن طی کنند:

«علی(ع) (...) فرزندان باایمان خود را به جانشینی انتخاب کرد. فرزندان او چون حسن و حسین(علیه‌السلام) و دیگر فرزندانش ناخدای انقلاب سرخ شدند و یکی پس از دیگری راه خود را به نحو احسن طی نمودند.»

ولایت فقیه، روحانیت، امام

ولایت فقیه و روحانیت به‌ویژه حضرت امام خمینی(ره) نقش والایی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی داشته و عامل تحول معنوی مردم ایران و رزمندگان در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس را می‌توان مرهون شخصیت حضرت امام(ره) دانست. این امر در وصایای شهید از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار است؛ تا جایی که شهید با تشبیه ولایت فقیه و روحانیت به امور مختلف، تأثیرشان را بیشتر جلوه داده‌اند.

ولایت فقیه میوه‌ای بارور است.

شهید حسن ناجی دزفولی از ولایت فقیه با عنوان میوه‌ای بسیار بارور نام می‌برد که هدیه و ارمغان انقلاب است: «ولایت فقیه - که ادامه‌دهنده راه انبیا و عظام است - گرانبهاترین و ثمره‌بخش‌ترین میوه‌ای است که انقلاب خون‌بارمان به ارمغان آورده است.»

روحانیت چراغ است.

شهید عبدالرحمن موسایی روحانیت را چون چراغی دانسته که راهنمایی کشور و ملت را بر عهده دارد و همه مردم وظیفه دارند از آنان پیروی کنند: «ملت ایران از روحانیت مبارز پیروی کنید که آن‌ها چراغ و راهنمای این مملکت هستند.»

روحانیت بازوی اسلام است.

شهید قاسم سلیمانی روحانیت را بازوان توانای اسلام می‌داند و از همگان به‌خصوص خانواده‌اش خواسته تا از روحانیت و امام(ره) پیروی نمایند. «تا آخرین قطره خون خود از اسلام عزیز و روحانیت گرمی - که نماینده اسلام هستند و به اسلام نیرو می‌بخشند و بازوی توانای اسلام هستند - و از امام‌مان و رهبرمان امام خمینی این پدر بزرگوار پیروی کنید.»

مجموعه
سخنان، اهداف
وانگیزه‌هایی
که در وصایای
آن بزرگ‌مردان
تاریخ معاصر
ثبت شده، میراث
معنوی این دوران
پرافتخار است

امام پرچم هدایت و ریسمان نجات است.

شهید فخرالدین هاشمی نسب در ضمن معرفی حضرت امام خمینی (ره)، در وصیت خود از ایشان به عنوان ریسمانی برای نجات و پرچمی برای هدایت نام برده است و او را نشانه بزرگ خداوند برای انسان‌های دانند:

«او (امام) سراسر ایثار در راه مکتب و مردم است. او پرچم هدایت است و ریسمان نجات و آیت بزرگ خدا بر اهل جهان.»

امام مسکن دردهاست.

شهید علی عیدی شرف‌آبادی امام را مسکن و آرام‌بخشی برای دردهای خود معرفی کرده و دلیل این سخن را این‌گونه بیان نموده که دیدن امام او را به یاد خدا می‌اندازد:

«در باره امام چیزی نگویم چون او را خیلی دوست دارم و او مسکن دردهای من بود؛ زیرا وقتی چهره او را می‌دیدم به یاد خدا می‌افتادم.»

امام چراغی پرفروغ است.

شهید علیرضا ساکی با ذکر این مطلب که امام همچون چراغی نورانی بوده، خاطر نشان کرده است که اگر نورانیت ایشان راه را پیش روی ما روشن نمی‌کرد ما همچنان گرفتار فساد و تباهی بودیم:

«اگر سایه امام بت‌شکنان، این فرزند حسین بن علی (ع)، بالای سر ما نبود و اگر این چراغ پرفروغ جلو راه ما قرار نمی‌گرفت، ما هنوز زیر بار ستم و فساد خاندان پهلوی بودیم.»

امام قلب است.

شهید محمد بهروان امام را به قلب عاشقانی مانند کرده است که برای کربلای حسین می‌تپد و پیروزی را در پیروی کردن از فرامین ولایت‌فقیه و امام می‌داند: «برادران، از امام این قلب تپیده عاشقان کربلا پیروی کنید که پیروزی در پیروی کردن از ولایت‌فقیه است.»

آیت‌الله خامنه‌ای سکان دار کشتی جهان اسلام است.

شهید حسن سلیمی راد از آیت‌الله

خامنه‌ای به عنوان سکان‌دار کشتی جهان اسلام نام برده و خاطر نشان کرده است که ایشان بعد از امام (ره)، توانسته است با درایت و فهم بالای خویش عزت و بزرگی و صف‌ناپذیری به انقلاب بدهد، توطئه‌های مستکبران به‌خصوص آمریکا را نقش بر آب نماید و با راهنمایی‌های پیامبرگونه خویش مردم جهان اسلام را در برابر قدرت‌های شرق و غرب همیشه بیدار و در صحنه نگه دارد:

«در حال حاضر نیز (که) آیت‌الله خامنه‌ای سکان رهبری جهان اسلام را در دست دارد آن‌چنان عزت و عظمت به نظام داده که آمریکا را به خواری و زبونی کشانده است.»

دنیاله مطلب در وبگاه نشریه